

# معرفی یک روش جدید تعیین سن جمجمه های (۳۰-۳۵) سال زن و مرد ایرانی براساس ویژگی های تشریحی التصاق سازیتال (II)

دکتر محمد بربستانی

دانشیار و مسئول بخش تخصصی گروه آناتومی دانشکده پزشکی - دانشگاه علوم پزشکی تهران

دکتر حسن توفیقی

استاد گروه پزشکی قانونی طب کار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران

دکتر سید عباس عبدالوهابی گیلانی

استادیار گروه آناتومی دانشگاه علوم پزشکی تهران

دکتر محمد اکبری

دانشیار، مدیر گروه آناتومی دانشگاه علوم پزشکی تهران

دکتر عظیم هدایت پور

عضو هیئت علمی گروه آناتومی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران

## چکیده

در این تحقیق ۳۵ جسد مرد و ۳۵ جسد زن (۳۰-۳۵) ساله، برای تحقیق شیار التصاق (II) سقف کاسه سر با تکیه بر سه ویژگی تشریحی: ۱- حداکثر درجه پهنا (در ۶ درجه)، ۲- شکل کلی التصاق (در ۵ درجه)، ۳- برجستگی های ثانویه (در ۴ درجه)، مورد مطالعه قرار گرفت، زیرا با روند استخوان سازی، طی دوره های مختلف سنی، درجه هر یک از شاخصهای سه گانه فوق تغییر می کند. در این تحقیق التصاق Sagittal، برحسب اختلافات شکلی (Morphologically) از قدام به خلف به چهار قطعه تقسیم و برای هر کدام با استفاده از ملاکهای فوق، یک شناسنامه طبق فرمول زیر تهیه شد.

(N.A - B.C.D) مرد یا زن

علامات جنسیت = مرد یا زن، شماره التصاق (II) = N

درجه حداکثر پهنا = B، شماره قطعه = A

درجه برجستگی های ثانویه = D، درجه شکل = C

کلید واژه ها: ۱- التصاق، ۲- تشریحی، ۳- جمجمه

## مقدمه

در پزشکی قانونی به کرات با اجساد ناشناس متلاشی شده ای برخورد می شود که تعیین سن را دشوار می سازد در این راستا سقف جمجمه از اهمیت ویژه ای برخوردار است

مساله تعیین سن موضوعی است که همواره مورد توجه متخصصین پزشکی قانونی و محققان در زمینه (Antropology) بوده است (۴).

نظر به اینکه روند استخوان سازی در طرفین التصاق بطور یکنواخت صورت نمی گیرد (۶)، سبب می گردد که هر التصاق ساژیتال به چهار قطعه (۱- برگما، ۲- ورتکس، ۳- اولیون، ۴- لامبدا) که از نظر *Morphology* با یکدیگر تفاوت دارند تقسیم شود (دیاگرام التصاقات در برگه ثبت مشخصات جسد) (۱).

در این پژوهش، سه عامل (شاخص) را که سبب اختلافات مورفولوژیکی قسمتها با هم می گردند در تحقیق وارد کردیم، هر شاخص طبق نمودارهای زیر به چند درجه (نوع تقسیم می شوند).

۵- هر قطعه پس از مقایسه با هر یک از شاخصهای سه گانه فوق تعیین درجه شد.

۶- اطلاعات مربوط به ۷۰ جسد (۳۵ زن و ۳۵ مرد) برای استخراج نتایج به کامپیوتر داده شد.

۷- پس از رسم نمودار براساس بیشترین فراوانی درجه هر کدام برای یکایک قطعه بدست آمد.

۸- با توجه به موارد بالا یک شناسنامه که فرمول کلی آن بشرح زیر است بدست آمد:

سطحی ترین بخش سیستم اسکلتی بدون اینکه نیاز به کالبدشکافی بخشهای عمقی باشد، می تواند با استفاده از ملاک هائی، پژوهشگران و پزشکان را در جهت رسیدن به یک نتیجه تقریباً مطمئن یاری نماید. در *Antropology* نیز به دلیل اینکه در بیشتر موارد تنها بقایای اجساد استخوان بوده، مجموعه بویژه التصاقات آن به عنوان یک متغیر وابسته به سن و جنس از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

## روش کار و مواد

در این تحقیق ۳۵ جسد زن و ۳۵ جسد مرد بین ۳۰-۳۵ سال در تالار تشریح پزشکی قانونی تهران به نوبت طی مراحل زیر مورد مطالعه قرار گرفت.

۱- ثبت مشخصات جسد: در برگه ثبت مشخصات جسد.

۲- ایجاد یک برش عرضی در جمجمه *Scalp*: از پشت لاله گوش یکطرف تا پشت لاله گوش طرف دیگر (شکل ۱)

۳- کشیدن پوست سر به قدام و خلف (شکل ۲)

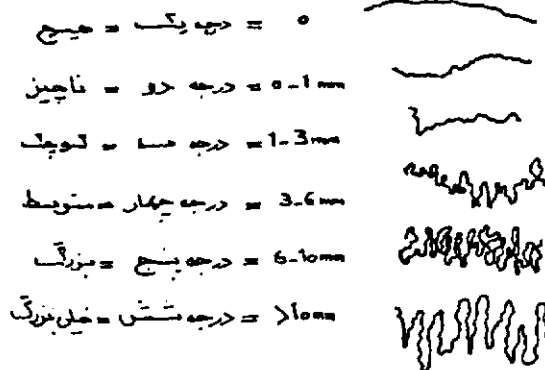
۴- پاک کردن سطح خارجی جمجمه: به منظور مشخص شدن التصاق ساژیتال (شکل ۳).

(N.A - C.D) زن یا مرد

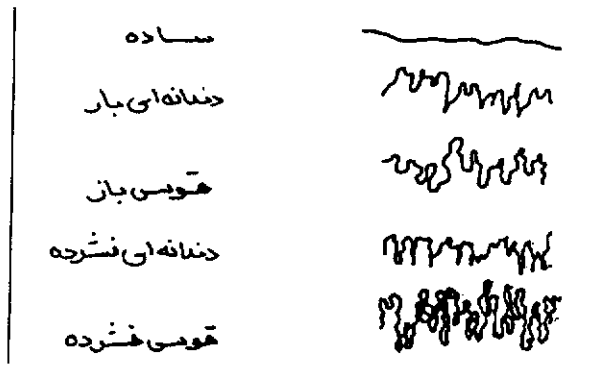
شماره التصاق به یونانی (II) = N

درجه شاخص اول = B، شماره قطعه = A

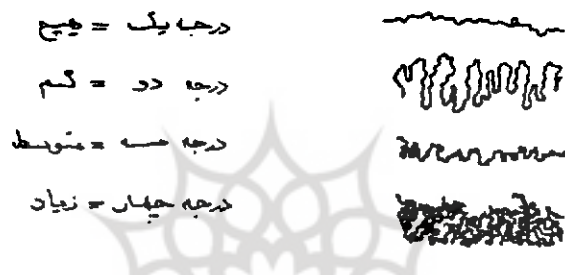
درجه شاخص سوم = D، درجه شاخص دوم = C



الف) شاخص اول (حداکثر پهنا): شامل شش درجه است



ب) شاخص دوم (شکل کلی التصاق): شامل پنج درجه است.



ج) شاخص سوم (برجستگی های ثانویه): شامل چهار درجه است

### بحث

### نتایج

فرمول ارائه شده توسط نویسندگان مقاله نسبت به پژوهشگران خارجی از دقت بیشتری برخوردار است به دلایل زیر:  
الف) فرمول پژوهشگران خارجی از مجموعه های خشک موجود در موزه ها که سن دقیق آنها معلوم نبود، بدست آمد، به همین دلیل تعیین سن را با تقریب  $\pm 6/2$  یعنی با خطائی حدود ۱۲ سال اعلام می کنند (۱۰،۹). در صورتی که نتایج ما از روی اجسادى که سن آنها کاملاً مشخص بود بدست آمد لذا تعیین سن با خطائی به مراتب کمتر حدود ۵ سال (۳۵-۳۰) به این دلیل بود که تغییرات تشریحی التصاقات در بالغین به کندی صورت می گیرد و تفاوت کمتر از آن معنی دار نیست.  
ب) نتایج نویسندگان مقاله خاص مردم تهران است، لذا برای دیگر ملل به دلیل تاثیرات (جنس، ارث، نژاد، شرایط جغرافیایی، شغل و تغذیه) معتبر نیست.  
د) نویسندگان مقاله تحقیق درباره دو التصاق دیگر سقف کاسه سر (کرونال ولامبدوئید) را به اتمام رسانده اند.

شناسنامه هر قطعه با توجه به آنچه که گذشت بصورت زیر است:

<i>pars Bregmatica</i>	R (II. 1-221) : مرد
(شکلهای ۴ و ۵)	R (II. 1-221) : زن
<i>Pars Vertex</i>	R (II. 2 -632) : مرد
(شکلهای ۶ و ۷)	R (II. 2-432) : زن
<i>Pars obelion</i>	R (II. 3-321) : مرد
(شکلهای ۸ و ۹)	R (II. 3-221) : زن
<i>Pars Lambda</i>	R (II. 4-332) : مرد
(شکلهای ۱۰ و ۱۱)	R (II. 4-431) : زن

ه) مقاله مربوط به سوچور کروئال در مجله وزین پزشکی قانونی سال سوم / شماره دوازدهم / مهر و آبان ۱۳۷۶ به چاپ رسیده است.

۲- برای تعیین دقیق سن بیش از دو قطعه مورد ارزیابی قرار گیرد.  
 ۳- نویسندگان مقاله آمادگی خود را برای همکاری با دیگر عزیزان محقق که خواهان تحقیق در این زمینه هستند اعلام می دارند.

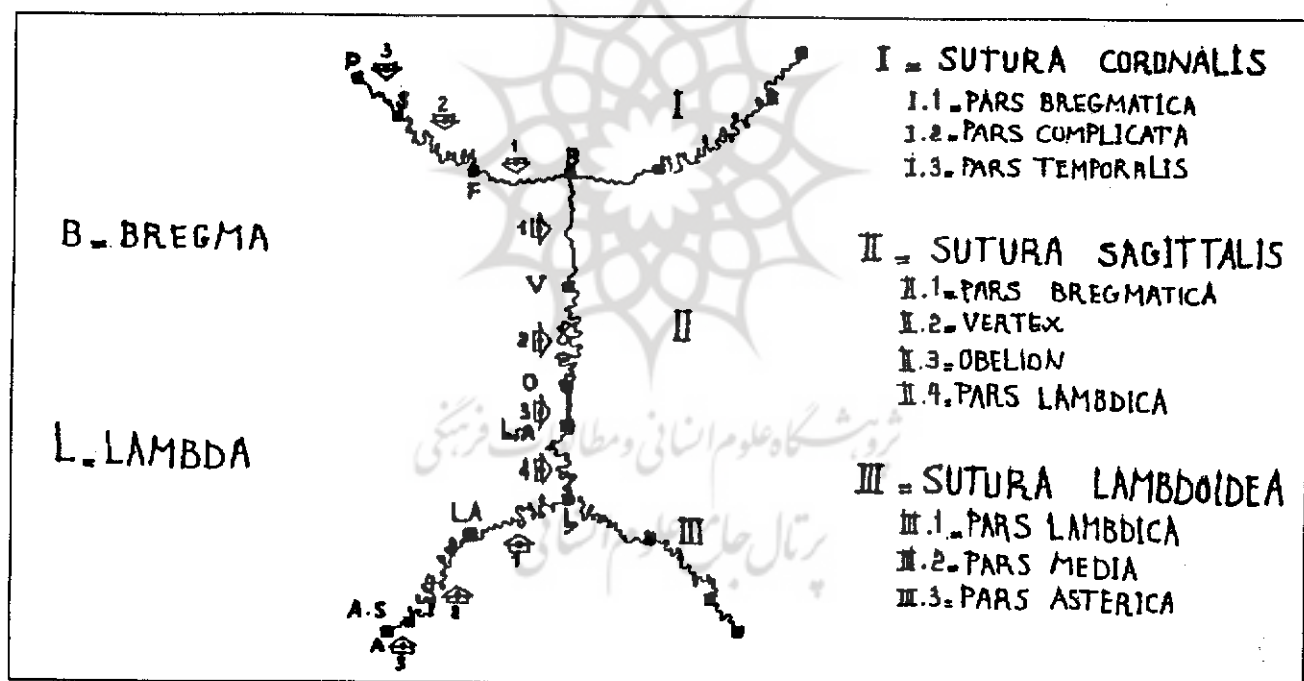
### پیشنهادات

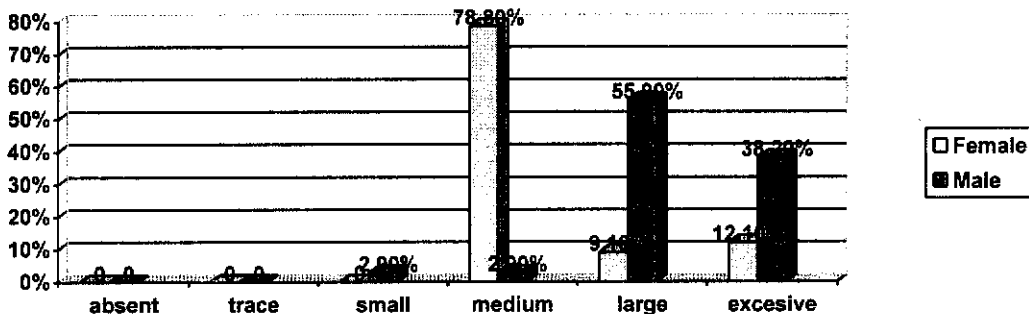
۱- پژوهش در دیگر دوره های سنی انجام شود.

### برگه مشخصات جسد و ثبت شاخصهای پژوهش

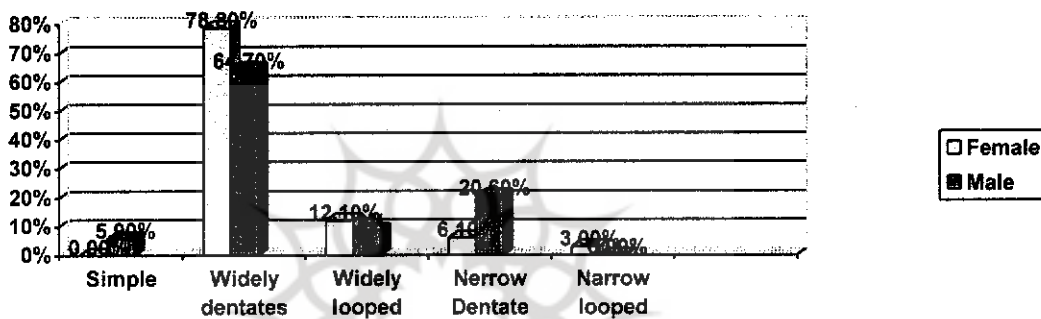
نام	نام خانوادگی	سن	جنس	نژاد
وزن	تاریخ فوت	تاریخ پژوهش		

دیاگرام طرح کلی التصافات سقف جمجمه و قطعات آنها

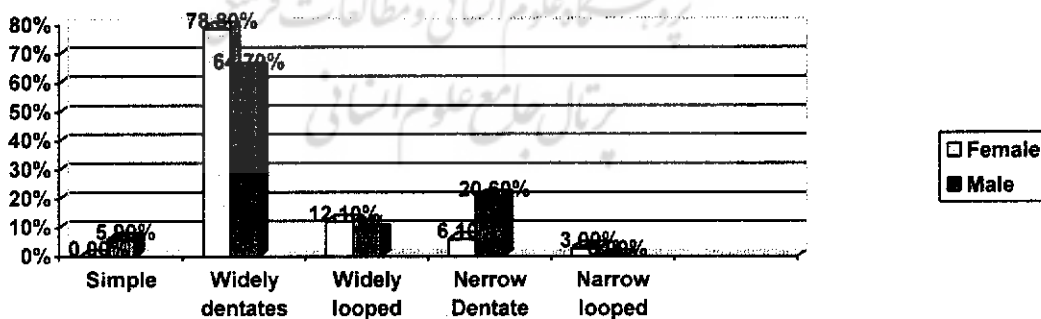




نمودار ۱ - شاخص اول (حداکثر درجه پهنای)



نمودار ۲ - شاخص دوم (شکل کلی درز)



نمودار ۳ - شاخص سوم (برجستگی ثانویه)



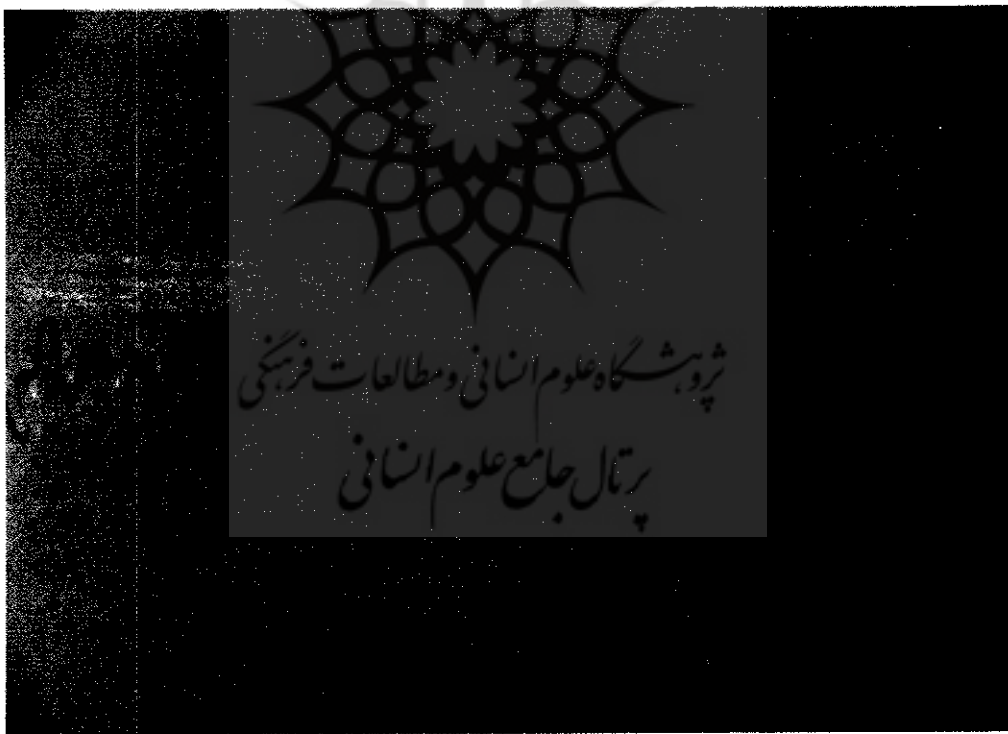
شکل ۱ - برداشتن پوست سر مرحله اول



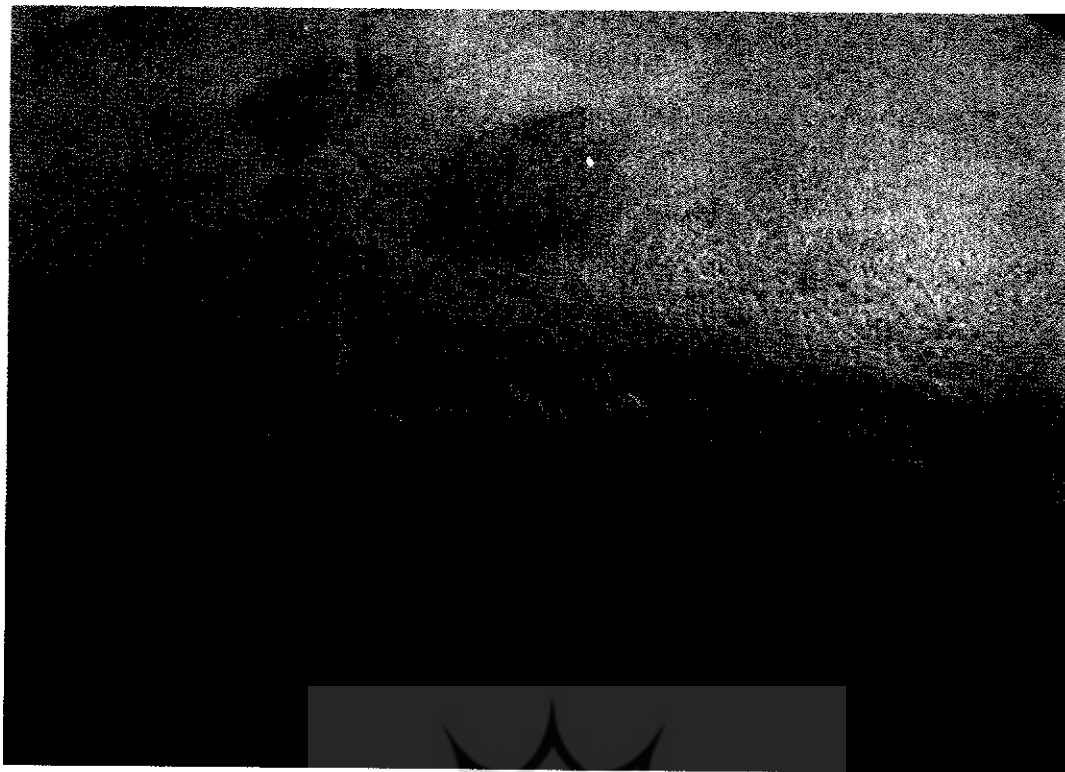
شکل ۲ - تمیز کردن جمجمه بعد از برداشتن پوست سر



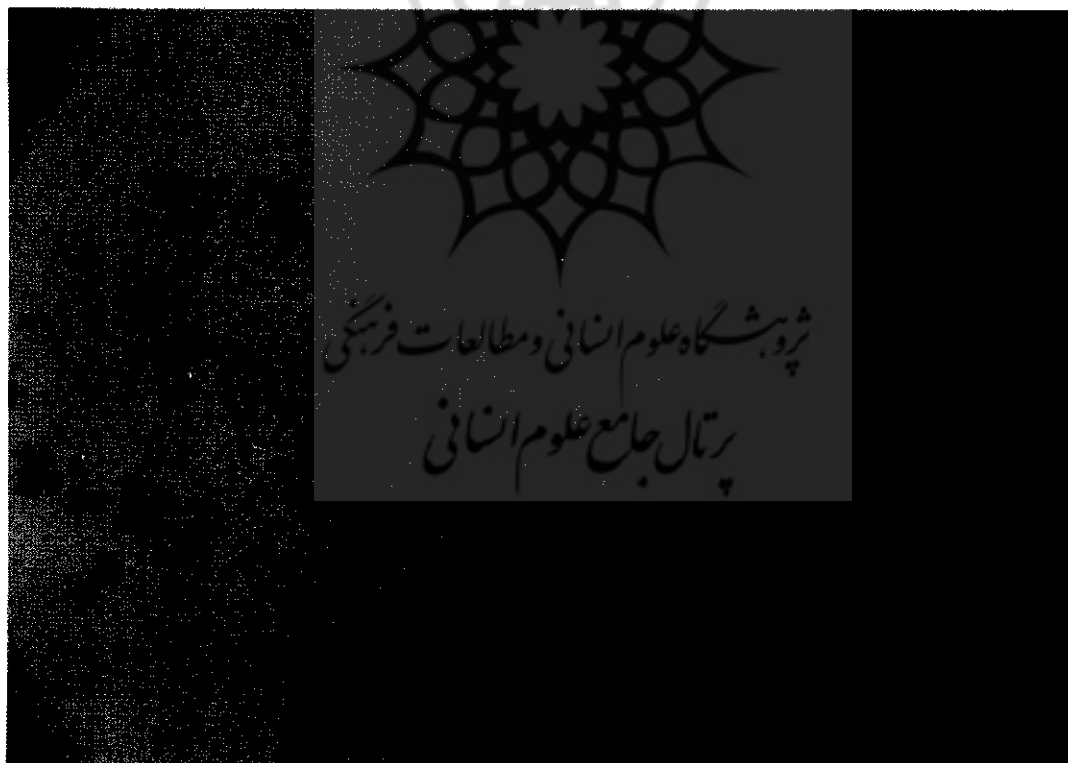
شکل ۳ - اندازه گیری التصاق سازیتال و سگمانهای آن، تعیین درجه هر یک از شاخصهای بکار گرفته شده در پژوهش



شکل ۴ - التصاق سازیتال، قطعه I مذکر

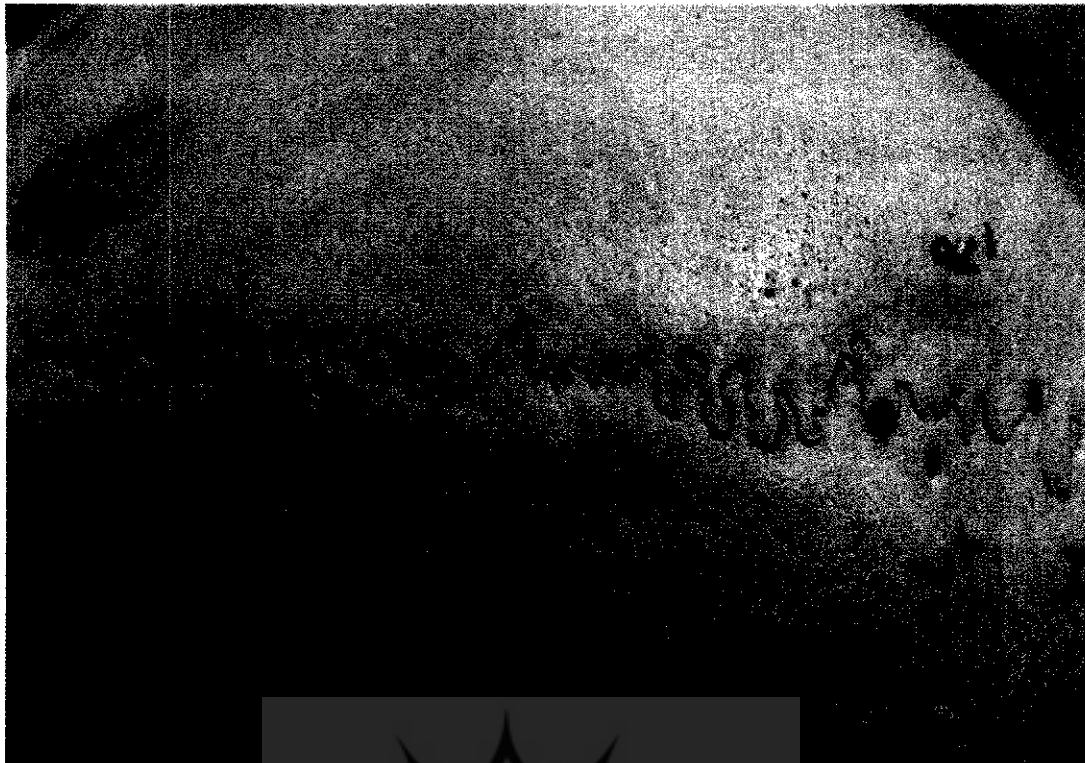


شکل ۵ - التصاق ساژیتال، قطعه I مونث

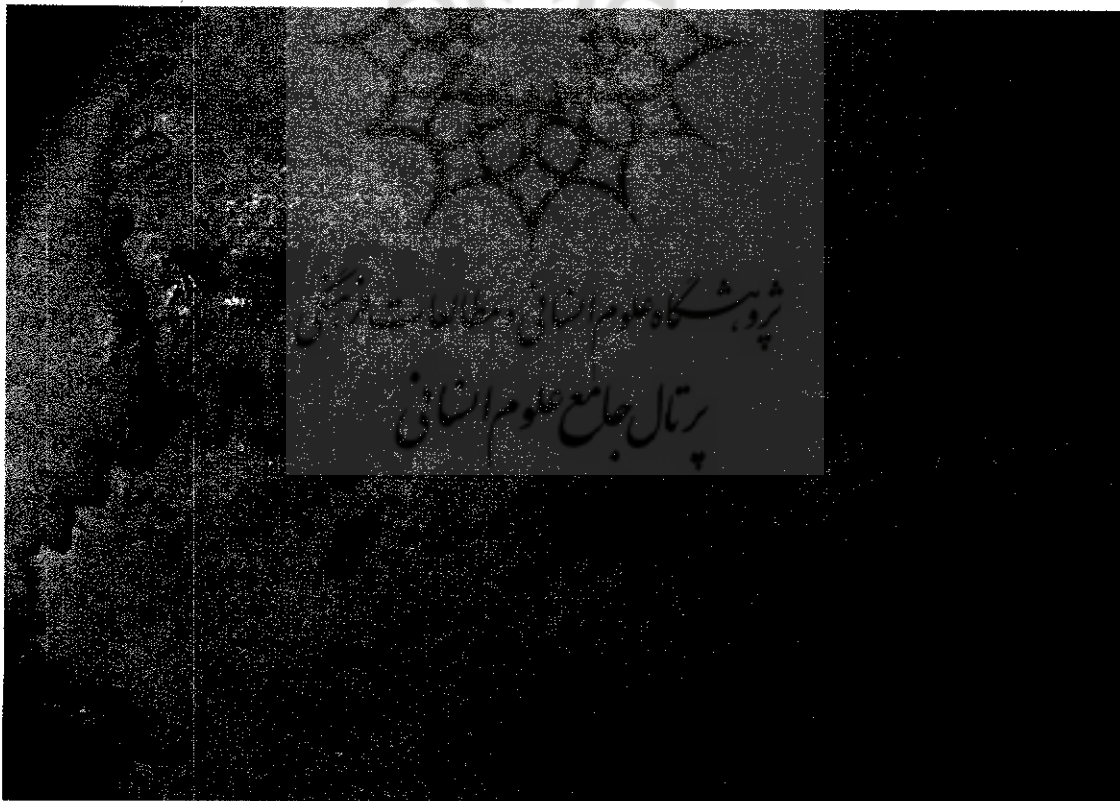


شکل ۶ - التصاق ساژیتال، قطعه II مذکر

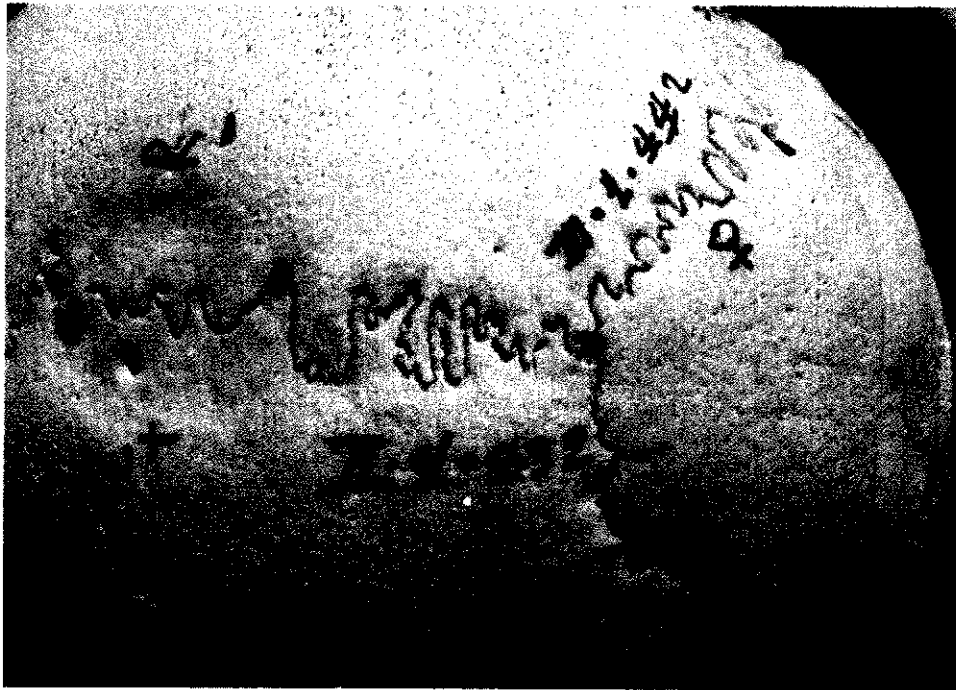




شکل ۷ - التصاق سازیتال، قطعه II مونث



شکل ۸ - التصاق سازیتال، قطعات III و IV مذکر



شکل ۹ - التصاق سازیتال، قطعات III و IV مونت

## منابع

- 1 \_ Moss, M.L. 1957 *Experimental alteration of sutural area morphology*. *Anat. Rec*, 127: 569-589.
- 2 \_ Molss, M.L. 1958 *Inhibition and stimulation of sutural in the rat*. *Am. J. Anat.*, 102: 141-1650.
- 3 \_ Moss, M.L. 1960 *Inhibition ans stimulation of sutural fusion in the rat calvaria*. *Anat. Rec.*, 136: 457-468.
- 4 \_ Moss. M.L. and R.W.young 1960 *A functional approach to craniology*. *Am. J. Phys. Authropol.*, 18: 281-292.
- 5 \_ Necrasov. O., Mvladesco, A., Rudescu, H., Schmidt, and C. Vulpe 1966 *Surl, evolution dela synostose des surures cramiennes et son application a l'estimation del'age*. *Ann. Roum. D'Anthropol.*, 3 :23-35.
- 6 \_ Oudhof, H.A.J 1982 *Sutural growth*. *Acta Anat.*, 112: 58-68.
- 7 \_ Singer, R. 1953 *Estimation of age from Cronial suture closure, Report on its unreliability*. *J. Forensic Med.*, 1: 52-59.
- 8 \_ Sjovold, T. 1984 *A report on the heritability of some cranial measurement and non-metric traits*. In: *Multivariate statistical Methods in Physical Anthropology*, G.N. Van Vark and W.W. Howells eds. D. Reidel. Dordrecht, PP. 223-246.
- 9 \_ Todd. T.W. and D.W. Lyon 1924 *Endocranial suture closure, its progress and agerelationship. Part I. Adult males white stock*. *Am. J. Phys. Anthopol.*, 7:325-384.
- 10 \_ Todd. T.W., and D.W. Lyon 1925 *suture closure, its progress and age relationship. Part II. Ectocranial closure inadult moles of white stock*. *Am. J. Phys. Anthropol.* 8: 23-45.
- 11 \_ Vallois, H.V. 1960 *Vital statistics in prehistoric populations as determined from archacological data*. In: *The Applications of Quantitative Methods in Arch a eology*, R.F. Heitzer and S.F. Cook, eds. Viking Found publi. *Anthropol. (Chicago)*, 28: 186-194.